

زندگی زن و شوهری که پایه پای هم کار می‌کنند

## با هم سر زمین



محمد مهدی

عبدالله...

چاردیواری

یکی از کارکردهای اصلی هر خانواده، اقتصاد است. این موضوع آن قدر مهم است که خداوند در قرآن فرموده: «ازدواج و تشکیل خانواده، سبب گشایش اقتصادی مرد و زن تشکیل دهنده خانواده می‌شود.»

استحکام، ضعف، سلامت و فساد جامعه در گرو خانواده‌های تشکیل دهنده آن است و اصلاح رفتارهای اقتصادی خانواده سبب تأمین و تثبیت ارزش‌های اخلاقی شده و منجر به بهبود وضعیت اقتصادی آن می‌شود.

خانواده، واحدی اقتصادی است که اعضای آن برای تأمین نیازهای معیشتی خود با یکدیگر همکاری می‌کنند. عملکرد خانواده در حوزه تولید، مصرف بهینه سرمایه‌ها و همچنین استفاده درست از امکانات اقتصادی که جامعه در اختیار آن قرار می‌دهد، کارکرد اقتصادی خانواده را

تشکیل می‌دهد. انجام بسیاری از کارهای خانگی به تولید مشترک نیاز دارد و در صورتی که فرد به سایر کمک‌کننده‌ها اهمیت بدهد، پیوند عاطفی درون خانواده به صورت ابزار نظارتی مؤثری برای سایر فعالیت‌های مشترک عمل می‌کند. مسائل اقتصادی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌هاست و آشنایی آنها با اصول علمی اقتصاد خانواده می‌تواند آنها را به اتخاذ بهترین تصمیم‌ها به منظور دستیابی به اهداف بهتر و زندگی مرفه‌تر یاری کند. یعنی می‌توانیم بگوییم «نیازمندی‌های خانواده نیاز جامعه است، موفقیت آن موفقیت جامعه، مشکلات آن مشکلات جامعه و حل مشکلات آن حل مشکلات جامعه». کاملاً تصادفی در مطب دندان پزشکی با مهندس فتحعلیان هم‌کلام شدم. وقتی از اوضاع و احوال پرسیدم، گفت مدیریت باغ انار و پسته‌اش با خانمش است. از او برای انجام مصاحبه اجازه گرفتم و به روستای شان رفتم. خانواده آقای فتحعلیان علاوه بر باغ انار و پسته، مزرعه پرورش زنبور عسل، دام سبک و سنگین داشتند. آنهاه اکارگر دائمی و کارگر فصلی زیادی هم هنگام جمع‌آوری محصولات داشتند. مصاحبه زیر حاصل دو ساعت مصاحبه در مزارع آقای فتحعلیان است. گفت‌وگویی که ابتدا با ایشان و سپس با همسرش صورت گرفته است.

### ابتدا قدری از خودتان بگویید.

حسن فتحعلیان هستم. از ۱۳ سالگی عازم جبهه شدم و سه چهار سال پایان جنگ را تقریباً پیوسته در جبهه بودم. دو سه بار تیر و ترکش نصیبم شد و شیمیایی هم شدم. برایم نوشته‌اند جانباز ۳۵ درصد.

### بعد از جنگ چه کردید؟ به تحصیل تان هم ادامه دادید؟

دیپلم فنی ماشین افزار را از هنرستان صنعتی دریافت کردم و سال ۱۳۶۸ در دانشگاه صنعت نفت پذیرفته شدم. در این دانشگاه درس خواندن جدی بود و خیلی از متون درسی ما به زبان

انگلیسی بود و برای همین در بدو ورودمان یک دوره شش هفته فراگیری زبان انگلیسی را پشت سر گذاشتیم که بعدها در مسافرت‌های خارج از کشور و مأموریت‌های شغلی کارساز بود.

### پس از فارغ التحصیلی چه کردید؟

سال ۱۳۷۳ به استخدام شرکت نفت درآمد و در شهرهای دامغان، شاهرود، ماکو، تهران و چابهار به عنوان مدیر پخش فرآورده‌های نفتی خدمت کردم و سپس با عنوان مدیرعامل سازمان تعاون نفت ادامه دادم که در داخل و خارج از کشور خدمات فنی ارائه می‌داد. برای نمونه در زمان مسئولیتم پالایشگاه‌هایی را در سوریه، مالزی،

هندوستان و ویتنام سر و سامان دادیم. پس از این مراحل بود که وضعیت ریوی‌ام حاد شد و ناچار به حالت اشتغال درآمد.

### چه زمانی ازدواج کردید؟

چند سال است ازدواج کرده‌ام و حاصل آن یک فرزند است که الان سال آخر پزشکی است. فرزند دیگرم در رشته حسابداری ادامه تحصیل می‌دهد و سومین و چهارمین فرزندانم هم دبستانی هستند.

### چگونه وارد دنیای تولید شدید؟

بعد از حالت اشتغال در تهران زندگی می‌کردیم و نمی‌شد دست روی دست بگذاریم و منتظر آخر برج باشیم تا حقوق دریافت کنیم برای همین

ابتدا با کمک همسر شروع به پخت، بسته‌بندی و توزیع آجیل مخصوصا پسته کردیم. همسر خوش سلیقه، تیزهوش و دارای مغز اقتصادی است و این عوامل سبب شد تا اجناس تولیدی ما با برند «حاج حسن» خریداران پرو پا قرصی پیدا کند. در ایام عید نوروز و شب یلدا، بسته‌هایی از پسته شور شده و انار درجه یک تهیه می‌کردیم که چند سازمان برای کارکنان‌شان به صورت عمده مشتری اجناس ما شده بودند. ما هم دست‌مان باز شد و دستگاه‌های مجهزتری تهیه کردیم ولی هوای تهران با من سازگار نبود و باید به شهر و روستایم برمی‌گشتم. مخصوصاً رهبر معظم انقلاب هم توصیه کرده بودند افرادی که توانایی دارند، وارد عرصه تولید شوند.

### وقتی برگشتید چه کردید؟

ابتدا سراغ باغ پسته رفتم. مقداری زمین و باغ موروثی به من رسیده بود و چند هکتار هم خودم کشت کردم. مشکل باغ پسته این بود که نیاز به سمپاشی داشت و این موضوع با ریه شیمیایی شده‌ام سازگار نبود. منطقه ماکویری است و باید سراغ محصول دیگری می‌رفتم. انار، گزینه مطلوبی بود، زیرا سه ساله به بار می‌نشیند، برخلاف پسته که چند سال طول می‌کشد تا درختش اقتصادی شود.

### هوای گرم این سال‌ها برای انار هم مناسب نیست، برای رفع این مشکل چه کردید؟

ما بعد از بررسی و تحقیق به این نتیجه رسیدیم که برای در امان ماندن از تگرگ و سرمای اول فصل و گرمای تابستان باید انارستان مسقف ایجاد کنیم تا از آفتاب سوختگی انارها و تبخیر زیاد آب جلوگیری شود. برای استفاده از تجارب ایجاد سقف گلخانه به هلند و پاکستان سفر کردم و با مشاهده انواع و اقسام سقف‌ها به طرح مورد نظر رسیدم. از کارایی این سقف بگویم که امسال در تابستان هوای بیرون از گلخانه ۵۰ درجه بود و در گلخانه حدود ۳۵ درجه. داربست بلند همچنین امکان استفاده از سیستم مه‌پاش را ایجاد کرده که به راحتی در مواقع ضروری از آن استفاده می‌کنیم. پس از بازگشت از سفر با توجه به میزان سهم آبم از فلات روستای مان، پنج هکتار زمین را زیر کشت انار بردم که با استفاده از داربست‌های آهنی و پارچه‌های ضد آفتاب آن را مسقف کردم. درخت‌ها به سرعت رشد کردند و اکنون از هر هکتار آن حدود ۱۵ تا ۲۵ تن انار در سال برداشت می‌شود.

### جناب مهندس اگر اختلاف نظر برای تان پیش بیاید، چه می‌کنید؟

زندگی بی‌اختلاف نظر که نیست ولی ما روزهایی که بین مان مشکلی ایجاد شود، آن قدر سرمان شلوغ است که فرصت پرداختن به آن را نداریم، می‌گوییم شب در این رابطه با هم صحبت خواهیم کرد. شب هم آن قدر خسته‌ایم که سرمان به بالش نرسیده در خواب هفتم هستیم ولی باید بگویم همیشه گذشت با حاج خانم است و با بزرگواری رفتارهایم